

محمد تقی دانش پژوه

دانشیار فلسفه دانشکده الهیات

فلسفه در چهار قرن اخیر در ایران

بحکم جبر تاریخ و نظر به علل اجتماعی و اقتصادی که شرحی مبسوط دارد با ظهور دولت عربی مرزهایی که در کشورهای اندلس و مغرب و مصر و شام و سرزمین ایران شهر، اقوام مختلف این سرزمینها را از هم جدا می کرده است از میان برداشته شده و ناگزیر با آشنایی مردم ایران و سریان و روم و یونان و غرب و قبطی و اندلسی و هندی با یکدیگر فرهنگ این گونه گون مردم درهم آمیخته و عرفان هند و دانش ایران و گنوس یونان که در این سرزمینها روایی داشته است بهم پیوست، در نتیجه اندیشه خاصی که از آیین اسلام و کلام یهودی و ترسائی و زردشتی هم متأثر شده بود در قلمرو دستگاه فرمانروایی اسلام پیدا شده که جنبه عقلی آن بنام «فلسفه اسلامی» خوانده می شود. این فلسفه نخست با کوشش کندی و سرخسی و فارابی و عامری و ابن سینا و مانند آنها بدین اسلام نزدیک شده و با کوشش عین القضاة همدانی و ترکه خجندی و مانند او با تصوف بیامیخت و همین فلسفه با کوشش معتزلیان و اشعریان روشن اندیش مانند غزالی و دیگران آشکارا در خدمت کلام اسلامی در آمده بود و چند قرنی بر آن گذشت و در ایران به دست خواجه طوسی و علامه حلی و ابن ابی جمهور احسانی و غیاث الدین منصور دشتکی رسیده و شکلهای گوناگون

- ۷) نظام‌الدین احمد دشتکی نواده^۱ آن یکی و درگذشته^۲ ۱۰۸۶ .
- ۸) ابو محمد محمود بن محمد دهدار عیانی خفری شیرازی عارف حروفی فیلسوف (۹۴۷ - ۱۰۱۶) .
- ۹) شیخ محمد علی بن ابی طالب حزین زاهدی درگذشته^۳ ۱۰۸۱ (ذریعه^۴: ۶: ۲۹۴) .
- ۱۰) محمد باقر سبزواری درگذشته^۵ ۱۰۹۰ محشی الهیات شفا و شرح اشارات .
- ۱۱) قوام‌الدین احمد پسر صدرای شیرازی .
- ۱۲) محمد ابراهیم پسر صدرای شیرازی .
- ۱۳) میرزا محمد بن حسن شیروانی درگذشته^۶ ۱۰۹۰۸ .
- ۱۴) محمد بن موسی خراسانی طبسی گیلکی مؤلف رساله‌ای در نفس در ۱۰۹۸ در اصفهان و کتابی بنام مناہج العرفان .
- ۱۵) احمد بن زین‌العابدین عاملی درگذشته^۷ میان سالهای ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰ و شاگرد سید داماد .
- ۱۶) مولی عبدالغفار بن محمد بن یحیی رشتی شاگرد سید داماد و محشی الاق المبین (ذریعه^۸: ۶: ۲۱) .
- ۱۷) آقا محمد رضی بن حسن قزوینی درگذشته^۹ ۱۰۹۶ مؤلف لسان الخواص که دائرة المعارف است (ریحانه^{۱۰}: ۱: ۲۵) .
- ۱۸) فیض کاشانی درگذشته^{۱۱} ۱۰۹۱ .
- ۱۹) نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی از سده^{۱۲} ۱۱ و ۱۲ .
- ۲۰) شمسای کشمیری محشی تجرید از سده^{۱۳} ۱۱ (دانشگاه^{۱۴}: ۶: ۲۲۶۳) .
- ۲۱) شیخ علی تقی طغانی کمره‌بی شیرازی اصفهانی درگذشته^{۱۵} ۱۰۶۰

۲) ابوالحسن بن احمد ابیوردی کاشانی مؤلف روض الجنان و المعارف تنها در علم طبیعی .

۳) مولی رجب علی تبریزی درگذشته ۱۰۸۰ مؤلف اثبات واجب به فارسی و قابل به اشتراك لفظی وجود .

۴) علی قلی خان فرزند قرچغای خان خلخالی اصفهانی سپهسالار شاه عباس و برادر منوچهر خان فرمانروای شهر طوس که در ۱۰۲۰ زاده شده و در ۱۰۸۳ زنده بود و شاگرد شمسای گیلانی و محقق خوانساری بوده است . او خواسته بود مجموعه‌ای در منطق به روش پیشینیان در چهار کتاب به فارسی بنویسد و توانست مقولات را در روز آدینه ۹ صفر ۱۰۷۶ در ۵۶ سالگی و عبارات را در ۲۳ شعبان ۱۰۷۶ به انجام رساند و گویا قیاس و صناعات پنجگانه را نوشته است (نسخه آستان قدس ش ۱۵۷) او در این کتاب سخنان ارسطو و مفسران و میر داماد و علامه حلی و ابن سینا را آورده است .

او را کتابهای بسیاری است مانند فرقان الرايين و تبیان الحکمتين در فرق میان حکمت ارسطو و افلاطون و حکمت فارابی و ابن سینا و میر داماد در چهارده مسأله که میان آنها اختلاف شده است و شرحی بر اثولوجیا دارد و کتاب احیاء حکمت و زبور عارفین و مزامیر العاشقین (اعیان الشیعه ۳۲ : ۱۳ - ذریعه ۱ : ۳۰۷ و ۳۷۷ : ۷ و ۱۵۴ : ۱۲ و ۳۷ : ۱۳ و ۶۳) .

۵) آقا حسین بن جمال الدین محمد خوانساری درگذشته ۱۰۹۹ محشی الهیات شفا و شرح اشارات و المحاکمات و نگارنده الجبر و الاختیار و الجزء الذی لایتنجزی و شرح هیئت قوشچی (ریحانه ۴ : ۴۸۷) .

۶) نظام الدین احمد دشتکی درگذشته ۱۰۱۵ مؤلف کتاب اثبات الواجب و الامالی الفلسفیه .

(۳۲) صدرالدین محمد شیرازی مؤلف گوهر یگانه در ۱۰۷۷ در کلام برای شاه صفی .

(سده ۱۲)

(۱) مولی محمد صادق اردستانی عارف اصفهانی در گذشته ۱۱۳۴ .

(۲) آقا محمد بن محمد رفیع گیلانی اصفهانی بیدآبادی در گذشته ۱۱۹۷
 کیمیائی سده ۱۲ .

(۳) شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی زنده در ۱۱۰۴ مؤلف رساله های اثبات حدوث عالم و وحدت وجود (دانشگاه ۳ : ۵۱۷ و ش ۱۹۸/۱۲ و ۲۱۹۸/۱۶ و ۲۱۹۸/۱۷ و ۳۹۰۱/۱۰) .

(۴) محمد یوسف بن حسین تهرانی مؤلف نقد الاصول و تلخیص الفصول در منطق به روش قدیم در ۱۱۰۴ .

(۵) مولی محمد اسماعیل مازندرانی اصفهانی خواجهی در گذشته ۱۱۷۳ مؤلف ابطال الزمان الموهوم در رد جمال الدین محمد خوانساری و تأیید سید داماد در حدوث دهری (دانشگاه ۳ : ۷۳) .

(۶) آقا جمال الدین محمد بن حسین خوانساری در گذشته ۱۱۲۵ .

(۷) قاضی محمد سعید بن محمد مفید قمی حکیم کوچک شاگرد فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و رجب علی تبریزی و در گذشته ۱۱۰۳ مؤلف کلید بهشت و اسرار الصنایع در صناعات خمس منطقی و محشی اتولوجیا (دوبار) و شرح اشارات (ریحانه ۳ : ۲۶۸) .

(۸) محمد بن محمد زمان کاشانی که در ۲ محرم ۱۱۶۲ مرآت الازمان ساخته و حدوث دهری سید داماد را رد کرده و زمان را موهوم پنداشته است (دانشگاه ۳ : ۳۵۲) .

مؤلف حدوث العالم (ذریعه ۶: ۲۹۴) .

۲۲) شمسای گیلانی شمس الدین محمد زنده در ۱۰۴۵ مؤلف الحکمة المتعالیة و حدوث العالم و قایل به حدوث دهری (ذریعه ۶: ۲۹۵ و ۵۹: ۷) .

۲۳) ملا سلیمان گیلانی مؤلف فیوضیات الالهیة در فلسفه به عربی با عنوان فیض در جمع میان فلسفه و کلام (بخط نسخ ۱۰۸۸ در اصفهان از کتب مجلس) .

۲۴) مولی محراب عارف گیلانی قائل به وحدت وجود (ریحانة الادب ۱: ۱۸۸) .

۲۵) نظام الدین احمد گیلی محشی الافق المین (دانشگاه ۷/ ۳۹۰) .

۲۶) فیاض لاهیجی در گذشته ۱۰۵۱ .

۲۷) حسن بن عبدالرزاق لاهیجی قمی که در دفاع از فلسفه رساله ای دارد و ابن رشد قرن یازده می توانش خواند ،

۲۸) بهاء الدین محمد بن شریح علی شریف لاهیجی مؤلف تفسیر فارسی و خیر الرجال و الرسالة المثالیة النوریة به فارسی در عالم مثال که جز فانوس الخیال است و او چنانکه استوری گفته است با قطب لاهیجی باید دوبرادر باشند .

۲۹) قطب الدین محمد بن شریح علی شریف لاهیجی مؤلف محبوب القلوب و فانوس الخیال یا قنديل الخیال در عالم مثال .

۳۰) رفیعای نابینی میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی نگارنده اقسام التشکیک والشجرة الالهیة والثمره فی تلخیص الشجرة (گریده الشجرة الالهیة خود او) و در گذشته ۱۰۸۲ .

۳۱) عوض بن حیدر شوشتری مؤلف گوهر یکدانه برای شاه سلیمان

در کلام .

و ناقد الانظار فی اثبات الواجب و صفات الثبوتیه و اللمعة که مانند الشواهد الربوبیه است (دانشگاه ۲۱۹:۳ و ۲۷۷۸:۷ و ریحانة الادب ۴:۱۸۶).

۹) مولی زین العابدین بن محمد جواد نوری شارح المشاعر .

۱۰) مولی علی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی در گذشته ۱۲۴۶ محشی المشاعر و الاسفار و الشواهد الربوبیه و شرح الفوائد احسانی (ریحانه ۴:۲۵۰).

۱۱) محمد علی بن محمد مؤمن حسنی حسینی طباطبائی که برای محمد علی لاهیجانی نقض المشاعر فی دفع شبهات الفیلسوف الشیرازی ساخته و در روز دوشنبه ۲۶ ع ۱۲۱۸/۲ آنرا به انجام رسانده است (ش ۵۵/۶ علوم در دانشگاه، نوشته خود او در روز دوشنبه ۱۵ ج ۱/۱۲۱۸).

(سده ۱۴)

۱) مرحوم میرزا مهدی آشتیانی استاد فلسفه در زمان ما .

۲) میرزا هاشم بن محسن بن محمد علی گیلانی اشکوری در گذشته ۱۳۳۲ مدرس مدرسه سپسالار جدید تهران و محشی مصباح الانس بین المعقول و المشهود فی شرح مفتاح غیب الجمع والوجود (ذریعه ۶:۲۰۱).

۳) شیخ محمد باقر اصطهباناتی مؤلف حدوث العالم که در صفر ۱۳۲۶ اورا کشته اند (ذریعه ۶:۲۹۳).

۴) سید جمال الدین افغانی فیلسوف اجتماعی سده چهاردهم .

۵) مولی محمد فاضل ایروانی در گذشته ۱۳۰۶ و جامع معقول و منقول .

۶) میرزا احمد بن ابراهیم بن حاج نعمت الله اردکانی شیرازی محشی

المشاعر .

۹) محمد جعفر بن عبدالله کمره‌نی اصفهانی زنده در ۱۱۱۵ (ذریعه^۷: ۵۴:۷).

۱۰) مولی حمزه گیلانی از سده^{۱۲} (ذریعه^۷: ۵۷:۷).

(سده^{۱۳})

۱) شیخ احمد احسانی (۱۱۶۶ - ۱۲۴۲) شارح المشاعر و الحكمة العرشية صدرای شیرازی و رساله العلم فیض کاشانی و شرح الفوائد خودش. او بنیادگذار روش شیخیان است و در فلسفه^۷ شیعی صاحب رأی.

۲) مولی محمد اسماعیل بن محمد سمیع اصفهانی درگذشته^{۱۲۷۷} محشی المشاعر و شوارق و شارح العرشية و شاگرد مولی علی نوری.

۳) ابوالحسن بن محمد هادی حسینی تنکابنی مؤلف البضاعة المزجاة فی اثبات وجود الکی الطبیعی که در ۱۵ع/۱۲۵۵ آنرا ساخته و آن از شاهکارهای فلسفی سده^{۱۳} سیزدهم است (دانشگاه^۳: ۱۸).

۴) ملا آقای دربندی (ملا آقا بن عابدین رمضان بن زاهد شیروانی فاضل دربندی) فقیه اصول متکلم ریاضی دان اخباری درگذشته^{۱۲۸۵} (ریحانه^۲: ۱۴).

۵) مولی عبدالله زنوزی تبریزی تهرانی شاگرد مولی علی نوری و مدرس مدرسه^۷ مروی در تهران و محشی اسفار و درگذشته^{۱۲۵۷} (ریحانه^۲: ۱۳۴).

۶) حاج محمد هادی بن مهدی اسرار سبزواری (۱۲۱۲ - ۱۲۸۹).

۷) مولی محمد جعفر لنگرودی لاهیجانی شارح المشاعر در ۱۲۶۵ (دانشگاه^۳: ۲۸۲).

۸) نراقی مهدی بن ابی ذر درگذشته^{۱۲۰۹} مؤلف جامع الافکار

غیاث‌الدین منصور دشتکی آنرا می‌خواسته است شرح کند و دیباچه‌ای بر آن نوشته است و پس از صدرای شیرازی قاضی سعید قمی بسیار بدان ارج نهاده و از کسانیکه آنرا نمی‌پسندیدند نکوهش کرده است او می‌گوید که سید داماد می‌گفته است که من آنرا هفتاد بار خوانده‌ام. اثولوجیادور وایت دارد و بوریسوف روسی بدومین آن برخورد کرده است. این کتاب را:

- ۱- کندی اصلاح نموده است .
 - ۲- ابن سینا بر آن شرح دارد .
 - ۳- ابوالعباس لوکری بخشی از المبدأ و المعاد شیخ را به این نام که او بدان داده بود در بیان‌الحق گذارده است .
 - ۴- عبد اللطیف بن یوسف بغدادی (سده ۷ و ۶) در کتاب فی ما بعد الطبیعة بخشی از آنرا آورده است .
 - ۵- ابن ابی جمهور احسانی در مجلی (ساخته ۸۹۶ در طوس) بندی از آنرا آورده است .
 - ۶- غیاث‌الدین منصور دشتکی می‌خواست که آنرا شرح و تحریر کند و دیباچه‌ای بر آن نوشته است (ش ۵۳۹۲ دانشگاه) .
 - ۷- تقی‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی شاگرد دشتکی اثولوجیارا بار دوم تحریر کرده است (ذریعه ۳۷۷۰۳) .
 - ۸- قاضی سعید قمی مانند صدرای شیرازی و سید داماد از دوستداران این کتاب بوده و دو حاشیه بر آن دارد (دانشگاه ۲۰۱۸۰۳) .
- مسائلی را که در این چهار قرن مورد بحث بوده بیشتر ضمن شروع و حواشی آمده و شامل بسیاری از مطالب فلسفی می‌باشد اگرچه گاهی به رساله‌های

- ۷) میرزا ابوالحسن بن میر محمد طیب طباطبائی زواری اصفهانی معروف به جلوه (۱۲۳۸ - ۱۳۱۴) محشی المشاعر والاسفار .
- ۸) مرحوم میرزا محمد طاهر تنکابنی استاد فلسفه در زمان ما .
- ۹) آقا علی بن مولی عبدالله مدرس زنوزی تبریزی تهرانی در گذشته نزدیک ۱۳۰۷ مؤلف بدایع الحکم و محشی اسفار و مدرس مدرسه سپهسالار (ریحانه ۲: ۱۳۴) .
- ۱۰) میرزا محمد علی بن محمد جراد اصفهانی شاه آبادی مدرس تهران و قم که شاگرد میرزا هاشم رشتی بوده و مؤلف منازل السالکین در عرفان است (ریحانه ۲: ۲۹۰) .
- ۱۱) آقا میرزا محمد رضای قمشه‌یی عارف مدرس مدرسه صدر تهران و در گذشته ۲۷ محرم ۱۳۰۶ و محشی اسفار .

مختصات و نشانه‌های فلسفه در این چهار قرن

- ۱) استناد به آیات قرآن و احادیث شیعی در حل مسائل فلسفی .
- ۲) آمیختن مسائل فلسفی با مسائل عرفانی و استناد به کشف و شهود و آمیختن دو روش مشاء و اشراق .
- ۳) استناد به آثار منحول منسوب به فیثاغورس و ارسطاطالیس به ویژه کتاب الربوبیه یا اثولوجیا که گویا نخستین بار به این نام در عنوان مقاله‌ای از اسکندر افرو دیسی برمی‌خوریم و این سینا هم در آغاز المبدأ والمعاد از همین کلمه یاد کرده است .
- در سده ۶ و ۷ عبداللطیف بغدادی به آن اهمیت داده و در سده ۱۰ دهم

تنکابنی و دیگران در آن رساله‌ها و مقاله‌ها دارند.

۲) شبهه جذر اصم یا حل مشکل «کل کلامی کاذب» که منطقیانی مانند فارابی و امام رازی و کاتبی و سمرقندی و خجندی و دشتکی و دوانی و دیگران از آن بحث کرده‌اند و در سدهٔ یازدهم هم از آن گفتگو می‌شده است.

یک مسئله مهم فلسفی را نباید فراموش کرد و آن مسئله حدود دهری است که شرف الدین محمد مسعودی مروزی و فریدالدین غیلانی از دانشمندان سدهٔ ششم این مسئله را طرح کردند و میرداماد استرآبادی آنرا از نو به میان آورده است و شاید آن بهترین راه حل در مسئلهٔ آفرینش باشد اگر راه فیض گنوسیان و نجلی عارفان پذیرفته نشود. این راه را صدرای شیرازی ترفته و برخی دیگر هم از آن خرده گرفتند و رساله‌های ابطال الزمان الموهوم و مرآت الزمان به وجود آمده است.

یک حادثه در سدهٔ سیزدهم عبارت است از پرسش مسائل فلسفی و اجتماعی و مذهبی انتقادی از طرف آزاداندیشان و درباریان جهان‌نیده و فرنگستان رفته از دانشمندان مطرود یا گمنام و یا فیلسوف مانند شیخ احمد احسائی و میرزا محمد اخباری و سید محمد کاظم رشتی و محمد کریم خان کرمانی و محمد حسن طبسی و حاجی ملاهادی سبزواری نه از دانشمندان معروف مانند کرباسی و کنی و شیخ جعفر نجفی و میرزای قهی که چنین پرسشها را کسی جرأت نداشته است از آنها بکند.

اکنون تاریخچهٔ یک مسئلهٔ فلسفی را که صدرای شیرازی بدان ارجح می‌نهاد و تاریخ کشف دلیل آنرا به خصوص یاد کرده و رساله‌ای جداگانه دربارهٔ آن ساخته است در اینجا می‌آوریم و آن مسئلهٔ اتحاد عقل و عاقل و معقول است.

خاص به یکک یا چند مسئله مانند وحدت وجود و کلیت و حقیقت بسیط و حدوث عالم و علم خداوند و جز اینها برمی خوریم .

در میان آنها به چند مسأله گویا ارج بیشتری می نهادند مانند :

(۱) اصالت وجود .

(۲) وجود ذهنی .

(۳) تجرد نفس .

(۴) اتحاد عاقل و معقول .

(۵) حدوث عالم .

(۶) حرکت جوهری .

(۷) عالم مثال و تجرد خیال که در این مسأله قطب شیرازی و قطب

لاهیجی و برادرش بهاء الدین لاهیجی و حاجی مولی هادی سبزواری رساله های خاصی دارند .

میرفندرسکی در رساله "حرکت مثال افلاطونی را منکر است (دانشگاه

. (۲۴۹:۳)

(۹) معاد و بقای روح . این مسأله با فصولی که صدرای شیرازی از

آغاز و انجام خواجه طوسی ترجمه و در اسفار گذارده است به روش باطنیان نزدیک شده است .

در این زمان گاهی به برخی از مشکلات دیالکتیکی نیز می نگریستند

مانند :

(۱) شبهه استنزام که آقا حسین خوانساری و محمد بن حسن شیروانی

و مولی محمد باقر سبزواری و رفیعای نایینی و ملا خلیل قزوینی و شیخ حسین

دراز دارد و اگر کسی بخواهد حق سخن را در آن ادا کند گویا کمتر از پانصد صفحه
نباید بنویسد .

این نکته هم گفته شود که فیلسوفان یونانی و اسلامی گویا اتحاد عاقل
و معقول را مانند وحدت وجود یگانگی واقعی می پنداشته اند نه اتحاد ذهنی درست
بگویم آنرا ابرکتیف دانسته اند نه سو بڑکتیف .

اما از سخنان ابن ابی جمهور احسائی در المجلی برمی آید که این یگانگی
ذهنی صرف است و واقعیت ندارد و تنها از استغراق ذهن در معقول حکایت
می کند چنانکه فنای عارف تنها جنبه^۲ ذهنی دارد و اتحادی واقعی میان موجد
و موجودات نیست .

در این مسأله می‌توان دوشاخه و فرع تصویر نمود :

(۱) مسأله خود آگاهی و حضور ذاتی که نخستین بار در کتاب خار میدس افلاطون (بند ۱۶۴ - ۱۶۹) مطرح شده و در آن نقدی که سقراط از کنیه پرستشگاه دلفس « خود را بشناس » کرده است نقل شده است . سکستوس امپریکوس در آدورسوس مائمتیکوس (۷:۳۱۰) از این اصل خرده گرفته و آنرا منکر شده است و افلوپینوس در تاسوع پنجم فصل سوم بند ۱-۶ اثناد از آن دفاع کرده است .

(۲) یگانگی داننده با دانسته‌های خود که از آنهم در جوك پاننجل و اوپانیشاد یادگشته و در اثناد طرح و مستدل شده و مجملی از آنهم در اثولوجیای منحول و رساله فی العلم الالهی منسوب به فارابی و الايضاح للخیر المحض منسوب به ارسطو و معاذلة النفس هرمس هست و در کتاب النفس ارسطو و رساله عقل اسکندر افرو دیسی و رساله عقل کندی و سخنان فارابی و عامری و در المبدأ والمعاد ابن سینا و دیگر آثار او آثار مشکویه رازی و ابن رشد و ابن باجه و مقاله عقل والمعتبر ابی البرکات بغدادی و آثار قونوی و خجندی و قیصری و فناری و دیگران هم هست و به بهترین وجهی افضل الدین کاشانی در آثار خود از آن بحث داشته است . گویا بتوان گفت که صدرای شیرازی در فلسفه بدان متکی شده و آنرا وارد دستگاه یاسیستم فلسفی خود کرده است . پس از او فیض کاشانی از این مسأله یاد کرده و بخصوص استدلال افضل الدین کاشانی را آورده است و ما نابرهان تضایف استاد را نمی‌پسندیده است .

شارحان و محشیان و مدرسان فلسفه صدر اهرم در این مسأله سخن داشته و برخی دلیل خاص او را تأیید و برخی نقض کرده‌اند . رشته این مسأله سری